

**The ultimate politics of judgment in human society: the realization of justice or the season of hostility with a view on contemporary Iran**

Azam Shabani 1

Received: 26 May 2023

Seyyed Mohammad Sadri<sup>2</sup>

Reception: 23 July 2023

Haider Amirpour 3

Akram Abdullahpour<sup>4</sup>

**Abstract**

The necessity of existence of justice in the society is a debate that has been discussed in jurisprudence books under the title "Must of justice ". One of the issues raised in the Islamic legal system and one of the important issues in jurisprudence is the issue of justice. Considering that the most important goal of Islam in every field is the realization of "justice" in that field, therefore, it is very important to examine the foundations of justice and to reach judicial justice, which is the implementation of divine decrees and limits through the existence of this important tool. The discussion of justice, when examined under the title of judicial justice, can better explain the role and importance of "judgment and justice" with the existence of elements, the realization of security in society and evidential justice. This article aims to answer the question, referring to legal jurisprudence foundations and explaining judicial justice, whether the ultimate cause of justice is the execution of justice or the season of hostility? However, it must be acknowledged that what is emphasized in Islam and the modern legal system shows that there is always justice.

**Key words:** justice, judicial justice, evidentiary justice, hostility season, judgment

---

<sup>1</sup> PhD student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, South Tehran Branch, Payam Noor University, Damghan, Iran

<sup>2</sup> Associate Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, South Tehran Branch, Payam Noor University, Tehran, Iran (Responsible Author)

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, South Tehran Branch, Payam Noor University, Tehran, Iran

<sup>4</sup> Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, South Tehran Branch, Payam Noor University, Tehran, Iran

<http://doi.org/10.30510/pscci.2024.481932.1094>

سیاست غایی قضاوت در جامعه بشری:

تحقق عدالت یا فصل خصومت با نگاهی بر ایران معاصر

اعظم شبانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵

سید محمد صدری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱

حیدر امیرپور<sup>۳</sup>

اکرم عبدالله پور<sup>۴</sup>

### چکیده

ضرورت وجود قضا در جامعه بحثی است که در کتب فقهی تحت عنوان «وجوب قضا» مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از مباحثی که در نظام حقوقی اسلام مطرح شده است و از مباحث مهم فقه می باشد بحث قضا است. با توجه به اینکه مهمترین هدف اسلام در هر حوزه تحقق «عدالت» در آن زمینه است، لذا بررسی مبانی قضا و رسیدن به عدالت قضایی که اجرای احکام و حدود الهی به واسطه وجود این ابزار مهم صورت می گیرد، بسیار مهم می نماید. بحث قضا وقتی با عنوان عدالت قضایی مورد بررسی قرار بگیرد می تواند با وجود عناصر، تحقق امنیت در جامعه و عدالت ثبوتی و اثباتی نقش و اهمیت «قضاوت و عدالت» را بهتر تبیین کند. این مقاله بر آنست تا با اشاره به مبانی فقهی حقوقی و تبیین عدالت قضایی به این پرسش پاسخ دهد که علت غایی قضا اجرای عدالت می باشد یا فصل خصومت؟ هرچند باید اذعان نمود آنچه در اسلام تأکید شده و نظام حقوقی نوین بیانگر آنست که همواره عدالت وجود دارد.

**کلمات کلیدی:** عدالت، عدالت قضایی، عدالت ثبوتی، فصل خصومت، قضاوت

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه پیام نور، دامغان، ایران  
a76360088@gmail.com

دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
Smsadri42@pnu.ac.ir

دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران<sup>۳</sup>  
Dr.amirpour@pnu.ac.ir

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران<sup>۴</sup>  
abdolahpur@pnu.ac.ir

یکی از تأسیس‌های نظام حقوقی اسلام منصب قضا است. امروزه در فقه اسلامی تصویری متفاوت از قضا دیده می‌شود ولی باید دید هدف اسلام از قضا چه بوده است که این خود مستلزم شناخت قضا می‌باشد، چه اینکه اولین گام فقهت شناخت الفاظ موضوع است تا با شناخت الفاظ دامنه شمول موضوع مشخص شود. قضا دارای یک معنای خاص شرعی یا متشرعی نیست و در اصطلاح فقها یا خواص متشرعه همان گونه که شیخ انصاری از مسالک و کشف اللثام نقل می‌کند، معنای ولایت شرعی بر حکم برای کسی که صلاحیت فتوا را دارد در جزئیات قوانین شرعی نسبت به اشخاص خاص از مردم می‌باشد. مضمون این حکم (اثبات حقوق) برای برخی و یا (استیفای حق) برای صاحب آن است. در این بیان (قضا) به (ولایت قضایی) تفسیر شده که جزء احکام وضعی می‌باشد. اما آنچه از کاربردهای قضا در مباحث فقه مطرح شده است این است که قضا تنها در موارد اختلاف بین دو نفر و حل این مخاصمه به کار می‌رود به همین دلیل فقهای معاصر قضا را به فصل خصومت بین دو طرف تخصیص و حکم به ثبوت ادعای مدعی و یا عدم حق برای او نسبت به مدعی علیه قرار داده‌اند. فصل خصومت یا کشف حقیقت یکی از اصطلاحات رایج حقوقی است. بر این اساس تا زمانی که مراجعه‌ای به دستگاه قضایی نشده، دادگاه‌ها وظیفه‌ای ندارند ولی وقتی دعوی مطرح شد، دادگاه شرعاً و قانوناً مکلف است تکلیف موضوع را معلوم کند و در صورتی که قاضی تلاش خود را بکند و کشف حقیقت صورت نگیرد، موظف است بر حسب اوضاع و احوال ظاهری و مستندات و مدارک موجود قضیه را فیصله دهد. ولی عدالت در نظام حقوقی اسلام یک اصل مهم و اسلامی بوده تا جایی که یکی از مهمترین اهداف نظام حکومت اسلامی احقاق حق صاحبان حقوق بوده است. اکنون این سوال مطرح می‌شود که محور اصلی دستگاه قضا فصل خصومت است یا برقراری عدالت؟

### ضرورت قضا

ضرورت وجود قضا در جامعه بحثی است که در کتب فقهی تحت عنوان «وجوب قضا» مورد بررسی قرار گرفته است. لذا صاحب جواهر می‌گوید: همانگونه در کتاب تحریر و غیر آن آمده، فقط واجب کفایی است بلکه در کتاب ریاض نسبت به قضا در بین شیعه، ادعای عدم مخالفت شده

است (نجفی، ۱۳۶۵: ۹۹/۵). صاحب جواهر ۳ دلیل برای این ادعا ذکر می‌کنند: ۱

- ❖ بقای نظام نوع بشر متوقف بر قضاوت است
  - ❖ ظلم مورد نکوهش همگان است پس باید حاکمی باشد که حق مظلوم را از ظالم بستاند
  - ❖ نهی از منکر و امر به معروف از آثار قضاوت است
- مهدوی هادی تهرانی در پاسخ به این ۳ دلیل اینگونه تشریح می‌کنند:
- ❖ بقای نظام نوع بشر امری است که بدون شک از دیدگاه اسلام ضرورت دارد
  - ❖ قضاوت تنها راه تحقق این امر است پس از دیدگاه شارع مقدس اسلام، ضروری است
  - ❖ بدون شک رفع ظلم و جلوگیری از بی‌عدالتی در اسلام مطلوبیت دارد و برای تحقق آن باید قوه‌ای وجود داشته باشد که حق را به صاحب آن برساند و داد مظلوم را از ظالم بستاند، پس قضاوت از دیدگاه اسلام امری ضروری است. نهی از منکر و امر به معروف واجب است و قضاوت مقدمه‌ای این دو امر واجب است پس قضاوت نیز واجب است
- در آیات و روایات مقدمه‌ای به مسئله قضا تأکید شده است. از جمله «یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و لا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل.....»
- فاضل مقداد در ذیل آیه می‌نویسد: آیه بر امور سه گانه زیر دلالت دارد:
- مشروعیت قضا و حکم
  - وجوب قضاوت بر اساس حق، یعنی مطابق همان واقع و نقض الامری که دلیل یا اماره بودن رهنمون است
  - بنا بر مقتضای ادامه آیه شریفه (و لا تتبع الهوی) در قضاوت و پیروی از هوای نفس و تمایلات جایز نیست
- و روایت: اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) چنین نقل می‌کند: (و قال امیرالمومنین (ع) یشریح: یا شریح قد جلست مجلساً الا بنی أو وصی نبی أو شقی) (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷)
- ای شریح در جایی نشسته‌ای که در آنجا نشینند مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری یا مردی شقی و بدبخت که آخرت خود را برای دنیای دیگران از دست دهد.

از این روایت مستفاد می‌شود که کرسی قضاوت محل جلوس پیامبر (ص) و اوصیای وی است و قضاوت از مناصب خاص آن می‌باشد پس بدیهی است که می‌توان آن را به هر که واجد شرایط و اهلیت قضاوت باشد واگذار کنند. بنابراین مسئولیت قضا بسیار عظیم و خطیر است و هر فردی نمی‌تواند تصدی مقام قضاوت و داوری را به عهده گیرد و درباره اموال و نفوس و نوامیس بندگان خدا قضاوت کند.

### پیشینه موضوع

در اسلام مبنای حقوق و نظام قضایی، احکام دین است که همه افراد جامعه باید رعایت کنند و حکومت هم باید اطاعت کند خصوصاً شیعیان از نظر اعتقادی معتقد به حقوق فطری بوده و عدل در دیدگاه شیعه از اصول مذهب به شمار می‌رود. لذا می‌توان گفت از جهت اعتقادی به مستقلات عقلیه معتقد بوده و استقلال عقل را در کنار احکام شرع می‌پذیرند و دیگر اینکه خداوند را عادل می‌دانند. هم در نظام تکوین و هم در نظام تشریح عدالت خدا را قبول دارند و نکته مهم اینکه علت غایی از بعثت انبیاء را اقامه قسط و عدل می‌دانند. لذا یکی از انگیزه‌های مهم ایرانیان و رویکردشان به اسلام تأکید بر عدل و داد بوده است هر چند نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب در اوایل به علت عدم شکل‌گیری نظام و نبود قانون اساسی تغییرات چندانی در سیستم قضایی بوجود نیامد.

در پژوهش حاضر نزدیکترین اثر مقاله، پیامبر اکرم (ص) و شأن قضاوت از نگاه امام خمینی (۱۳۹۴) نوشته صالحی ماستانی می‌باشد با این وجود در تحقیق مزبور بیشتر تمرکز نویسنده بر تحلیل امام خمینی (ره) بر قضاوت پیامبر (ص) بوده با استناد به آیات و قرآن و احادیث بیان شده است. علی‌رغم اینکه در پژوهش پیش‌رو به تفصیل درباره موضوع قضا، بحث و کنکاش شده است؛ مهم‌تر اینکه در نوشتار مزبور گرچه مسأله جایگاه قضا و مفهوم و اهمیت آن پیش کشیده شده است اما باز هم نتوانسته ثابت کند علت غایی قضا عدالت و اقامه قسط و عدل است. همچنین در مقاله، شاخصه‌های عدالت قضایی از منظر امیرالمومنین (ع) با رویکردی بر آرای امام خمینی (ره) هر چند به شاخصه‌های عدالت قضایی، شاخصه‌های آن از دیدگاه امام علی (ع) مبنای قضاوت و حکم، استدلال قضایی و نهایتاً عدالت قضایی و اندیشه امام می‌پردازد باز هم در نهایت عدالت را یک اصل و اساس مهم داشته که تحقق آن از مهمترین اهداف

بعثت انبیا بوده است و یکی از مسائل مهم در تحقق عدالت قضایی را آموزه‌های اخلاقی و رفتاری در حوزه قضا می‌داند.

علاوه بر این در مقاله مفهوم و جایگاه منصب قضا در نظام حقوقی اسلام نوشته بهنام دارایی به مفهوم قضا و نظرات فقهای مذاهب اسلامی پرداخته ولی اینکه قضا برای اجرای عدل و قسط قرار داده شده و تنها هدف در مسئله قضا تحقق عدالت است اشاره‌ای نشده است. در مقاله درنگی در مفهوم احساس عدالت قضایی نوشته (علی رضا آذربایجانی، محسن کاظمی نجف آبادی) هرچند به ارکان احساس عدالت قضایی پرداخته و اشاره کرده است، رکن رکن عدالت قضایی، اعتماد عموم جامعه به دستگاه قضا است ولی پس از اشاره به شاخصه‌های عدالت قضایی اشاره می‌کند به اینکه آنچه اهمیت احساس عدالت قضایی را برجسته می‌سازد قابل پذیرش بودن روند دادرسی برای مردمان است ولی اینکه احساس عدالت قضایی باید حاصل این مطلب باشد که غایت قضا اجرای عدالت است، نه فصل خصومت، چنین برداشتی نمی‌شود.

موضوع قضا جزء موضوعات پرکاربرد در فقه اسلامی است و همواره تحقیق و جستجو در دو دیدگاه فصل خصومت یا اجرای عدالت از محورهای مهم دستگاه قضا است که از مهم‌ترین و مبنایی‌ترین مباحث در بحث قضا می‌باشد. این تحقیق اثری نو و مستقل در واکاوی بحث قضا در دو دیدگاه فصل خصومت و اجرای عدالت است. بنابراین مقاله پیش‌رو با اشاره به مبانی فقهی، حقوقی و اشاره به عدالت و عدالت قضایی و عناصر آن در نظر دارد که به این سوال پاسخ دهد که علت غایی قضا کدام است؟ آیا عدالت است یا فصل خصومت؟ این مقاله با اتکا به روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای با توجه به طرح موضوعات مطروحه به موضوعاتی همچون، بررسی مفهوم قضا و ضرورت آن، مبانی مکتب قضایی مبانی فقهی و حقوقی و در نهایت عدالت قضایی و عناصر آن که تحقق امنیت جامعه و عدالت ثبوتی و اثباتی هستند پرداخته است.

#### مبانی فقهی-حقوقی قضا

قضاوت نوعی سلطه و ولایت است که بر دیگران اجرا و اعمال می‌شود. از نظر اسلام قضاوت خود شاخه‌ای از ولایت عامه است لذا هیچکس بر دیگری و حتی هیچ گروهی بر فردی ولایت ندارد، جز در مواردی که خداوند اجازه داد و بدان امر کرده است. چرا که او آفریننده و مالک و مولای حقیقی انسان است و به همه مصالح و مفاسدشان آگاه است.

بنابراین هیچکس بالذات ولایت قضایی ندارد. نکته دیگر آنکه قضاوت در اسلام باید بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر و ائمه معصومین (ع) باشد. در پی قضاوت، تحقق عدالت است به گونه‌ای که از مهمترین اهداف پیامبران (ع) در قرآن دانسته شده است.

و لقد ارسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان و ليقوم الناس بالقسط (۱) (سوره حدید / ۲۵)

به راستی پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و میزان را فرود آوردیم تا مردم به انصاف و عدالت برخیزند.

و نیز در آیاتی دیگر که با عظمت مقام قضا اشاره شده است: یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و لا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل... (۲) (ص / ۲۶)

ای داوود ما تو را در زمین خلیفه و جانشین گردانیدیم پس میان مردم به حق داوری کن و زنه از هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا به در می‌کند.

اسلام بهترین نمونه ارزش و اهمیت مسئله قضاوت را در جهت تأمین حقوق مردم و استقرار عدالت اجتماعی می‌داند (ان الله یأمرکم أن تؤدوا الالانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل (۳) (نساء / ۵۸)

خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید به عدالت حکم کنید.

در روایات نیز مسئله قضاوت از مسائل دقیق و پر مسئولیت می‌باشد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «ای قاضِ قضی بین اثین فاخطا سَقَطَ اَبْعَدَ من السماء» (هرکس بین دو نفر قضاوت کند ولی بر اثر سهل‌انگاری در قضاوت خطا کند در عالم معنا گویی از فاصله دورتر از آسمان بر زمین سقوط کرده است) (کلینی، ۱۴۰۷: ۴ / ۴۰۸).

مسئله قضا در نظام اسلامی در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی، امری حیاتی می‌باشد. لذا بوجود آمدن سیستم قضایی بر پایه عدل و داشتن قضات عادل ضروری بود و این مهم پیش‌بینی شده است. در روایتی از «ابی خدیجه» آمده است: (بعثنی ابو عبدالله علیه السلام الی اصحابنا فقال لهم ایاکم اذا وقعت بینکم خصومه أو تدارى فی شیء من الاخذ و العطاء أن تحاکموا من هولاء الفساق اجعلوا بینکم رجلاً قد عَرَفَ

حلالنا و حرامنا قد جعلته علیکم قاضیاً و ایاکم أن یخاصم بعضکم بعضاً  
الی السلطان الجائر (ملکی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۳۹).

امام ششم مرا نزد شیعیان فرستاد و فرمود به آنان بگو هرگاه بین شما  
نزاعی واقع شد یا در امر مالی اختلاف روی داد برای حل دعوا به این  
قاضیان دست نشانده فاسق مراجعه نکنید، رجوع شما به کسی باشد که به  
حلال و حرام ما آگاه است، من او را قاضی قرار دادم مواظب باشید نزد  
حاکم ستمگر به دادخواهی نروید.

پیامبر اکرم (ص) هنگامی که معاذ بن جبل را به سوی یمن فرستادند  
فرمودند: وقتی نزد تو مسئله قضاوت و داوری عرضه شد چگونه فیصله  
می‌کنی؟ معاذ جواب داد مطابق کتاب الله قضاوت می‌کنم، در ادامه وقتی  
پیامبر (ص) پرسید اگر در قرآن نیافتی... معاذ عرض کرد به سنت رسول  
الله (ص) مراجعه می‌کنم و بعد حضرت فرمود اگر در سنت نیافتی.. آنگاه  
عرض کرد از اجتهاد و رأی خویش استفاده می‌کنم (ابو داود: ۳۵۹۲).

**اجماع:** عملکرد پیامبر اکرم (ص) و حتی خلفای راشدین و دیگر اصحاب  
پیامبر (ص) در قضاوت و داوری و روند قضایی بر اجماع علوی بوده  
است. علامه ماوردی در کتاب ادب القاضی می‌نویسد: « قضا ذلک من  
فعلهم اجماعاً » این عملکرد آن‌ها اجماع تلقی می‌شود (۱۰/۱۳۵).

**عقل:** برقراری عدل و انصاف در جامعه، ایجاد و اقامه سیستم قضایی  
عادلانه را عقل بشری تأیید کرده و بر ضرورت آن‌ها تأکید می‌کند چرا که  
قضاوت از نیازهای فطری انسان است.

در عقلانی بودن و ضرورت قضاوت همین بس است که باید قاضی باشد  
که این امر خطیر را در جامعه بخاطر احقاق حقوق دیگران انجام دهد، که  
لزوماً بایست این گرفتن حق مظلوم از ظالم و از میان برداشتن منازعات  
فی هابین بوسیله اجرای عدالت تحقق پذیرد. لذا وجود جانشین برای  
حاکم اسلامی که بتواند مصالح و مفاصد را بشناسد و به عدل و انصاف  
حکم دهد، امری صددرد صد عقلانیست.

بدون تردید در هر حکومت «نظم» امری ضروری است که بدون آن امنیت  
شکل نمی‌گیرد و (قانون) از عواهل بسیار مهم در تحقق نظم و امنیت  
است. لذا برای جلوگیری از اخلال در نظم و احقاق حق دیگران و آسایش  
و امنیت در جامعه، وجود دستگاه قضا مهم می‌نماید.

چون بدون تحقق حق و عدالت جامعه سالم وجود نخواهد داشت (واصل  
الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم) حکومت با کفر و بی‌اعتقادی

باقی می‌ماند ولی با ظلم و ستم باقی نمی‌ماند، بیانگر این مطلب است که هر جامعه‌ای نیازمند دولت و حکومت است تا سامان یابد. با توجه به اینکه تشکیل دولت و حکومت بخاطر منتقل شدن قسمتی از قدرت توده‌ها و افراد جامعه به دولت‌ها می‌باشد آنهم برای اجرای اهدافی که از جمله آن‌ها حفاظت بر حقوق و امنیت و آسایش است. باید قوانینی باشد که حقوق شهروندان را حفظ کند و افراد متجاوز را مجازات کند. لذا اگر دولت نتواند به وظیفه خود عمل کند مشروعیت خود را از دست خواهد داد و از بین رفتن مشروعیت دولت یا حکومتی در واقع یعنی نبود عدالت و وجود ظالم در جامعه که این نابودی مطلق دولت‌ها را به دنبال دارد، اما وجود قضاوت از مهمترین ارکان احقاق حق و اجرای عدالت است که بقای جامعه سالم تضمین می‌شود.

#### مبانی مکتب قضایی

در اسلام قانون‌گذاری از آن خداست (ان‌الحکم الا الله) این حق از سوی خداوند متعال به رسول اکرم (ص) داده شده است (اطیعوا..... و اطیعوا الرسول) (النبی بالمومنین من انفسهم)

در آیه اول به اطاعت رسول امر شده و امر دال بر وجوب است و اطاعت او به نحو مطلق شامل تمام اوامر و نواهی صادر از سوی آن حضرت (ص) می‌شود. در آیه دوم حضرت محمد (ص) از خود مومنان نسبت به آنان سزاوارتر شمرده شده است پس اگر مومنان می‌توانند در امور خود تصمیم بگیرند حضرت محمد (ص) به طریق اولی می‌تواند نسبت به آن‌ها اتخاذ موضع کند.

آیاتی مانند (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم) (خداوند را اطاعت کنید و مطیع رسول و صاحبان حکومت از میان خود باشید) دلیل وجود چنین منزلتی برای پیامبر و سایر امامان معصوم (ع) می‌باشد. همین شأن برای فقها در زمان غیبت به ادله ولایت فقیه هم ثابت است. علاوه بر قانون، تحقق قضا برای حصول آثار آن ضروری است. لذا اصل وجود قضا در جامعه امری غیرقابل اجتناب و جز واجبات کفایی است (و البته این شأن برای پیامبر (ص) و امامان معصوم و فقها ثابت است و آن‌ها می‌توانند اقدام به قضاوت کنند) (امام خمینی، ۱۴۲۱ ق: ۴۰۴/۲).

یکی دیگر از اصول مسلم قضا در اسلام این است که قضاوت باید بدون ملاحظه افراد خارج از نفوذ قدرت‌ها و بخش‌های دیگر حکومت صورت بگیرد (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۶۸-۱۴۷). از مطالعه در تاریخ جوامع بشری

روشن می‌شود اصل عدالت و قواعد آن پایه و عنصر اصلی توسعه جوامع و ضامن بقا، سلامت و امنیت است. در پاسخ به این سوال که دولت‌ها چه نقش و وظیفه‌ای در تحقق عدالت دارند، باید گفت مهم‌ترین نقش دولت در بحث قضا این است که اجازه ندهند اغنیا به ضعیفا ظلم کنند، بر همین اساس ارسطو در کتاب اخلاق خود عدالت را به طبیعی و قانونی تقسیم می‌کند. منظور از عدالت طبیعی قواعد همگانی و نوعی است که از طبیعت اشیاء سرچشمه گرفته و ارتباطی به عقاید اشخاص و قوانین حاکم بر جامعه ندارد. برعکس عدالت قانونی و وابسته به اوامر و نواهی قانون است و ضابطه نوعی ندارد. بعضی نویسندگان بر اساس این تقسیم‌بندی اجرای عدالت را به طور مقید و در چارچوب قوانین برای داد رسان مجاز شمرده‌اند. بنابراین در مقام تفسیر قوانین دادرس نمی‌تواند از عدالتی که مجموعه قوانین را به او تلقین می‌کند پای فراتر نهد، ولی نباید اذعان کرد دادرس فردی مستقل است که هم از باورهای اخلاقی و موقعیت جغرافیایی خود متأثر است و هم به عنوان فردی که عضوی از جامعه است که در آن زندگی می‌کند، نمی‌تواند در چارچوبی که دولت برایش فراهم کرده قرار گرفته و خود را محصور در قانون قرار دهد. تأمل در رویه‌های قضایی (کاتوزیان، ۱۴۰۲) نشان می‌دهد که بسیاری از آراء دادگاه‌ها قابل توجه نیستند و البته به سوء نیت قاضی نسبت دارد. بنابراین بجای (عدالت قانونی) از (عدالت قضایی یا حقوقی) می‌بایست سخن به میان آورد که در این نوع عدالت قاضی در خدمت عدالت است و قانون به عنوان ابزاریست که قاضی برای رسیدن به هدف اصلی از آن استفاده می‌کند. پس عدالت قضایی همان رفتار مطابق با قانون در مقام قضاوت است که نقش مهم و اساسی در تحقق عدالت قضایی با خود قاضی می‌باشد و اینکه علت غائی قضا کدامست و اجرای عدالت یا فصل خصومت؟ و قاضی در مقام قضا چگونه عمل می‌کند با توجه به اینکه وظیفه اولی او احقاق است یعنی باید تمام تلاش خود را برای کشف حقیقت به کار گیرد و اگر لازم باشد کارشناسی تعیین می‌کند یا از شهود قضیه تحقیق می‌کند یا در صورت لزوم معاینه محلی را انجام می‌دهد. چرا که طبق قانون وظیفه احقاق را دارد و هم به عنوان یک انسان به ندای وجدان بیش از قانون اهمیت می‌دهد سعی می‌کند تا جایی که ابزارهای قانون به قاضی کمک کرده و بتواند انصاف را در قضاوت محور قرار دهد. اما اگر با تمام تلاشی که قاضی دارد حقیقت کشف نشود قاضی موظف

است بر حسب اوضاع و احوال ظاهری مستندات و مدارک موجود قضیه را فیصله دهد و اینگونه بر حسب اوضاع و احوال ظاهری و علم قاضی فصل خصومت نامیده می‌شود. قدر مسلم عدالت قضایی از مهمترین نمادهای داوری در هر نظام سیاسی می‌باشد. لذا وجود عدالت قضایی در هر جامعه‌ای نشانه قدرتمندی آن نظام است و اسلام نیز در مورد قضا به دنبال عدالت قضایی است. عدالت قضایی دو عنصر دارد که بررسی هر یک در جایگاه خود مهم می‌نماید:

#### • تحقق امنیت در جامعه

برای تحقق امنیت به ۵ نکته اشاره می‌شود: ۱- حاکمیت قانون در جامعه ۲- رسیدن ذی‌الحق به حقش ۳- رفع خصومت ۴- جلوگیری تحقق جرم فردی و اجتماعی ۵- تأمین حقوق شهروندی

حاکمیت قانون که یک بحث ریشه‌دار است، باید گفت در صد ساله‌ی اخیر مورد توجه جهان قرار گرفته است. فهرستی که با عنوان فهرست حاکمیت در کشورهای مختلف چند ملاک در آن قرار گرفته است که از جمله عدم وجود فساد، حقوق بنیادی، نظم و امنیت اجرای مقررات، عدالت مدنی، عدالت کیفری، نکته مهم آنکه اسلام اصل حاکمیت قانون در جامعه را پذیرفته است و شاخص‌هایی که در حاکمیت قانون گفته‌اند را اسلام پذیرفته است. رسیدن ذی‌حق به حق خود که ضرورت وجود دادگاه قانون اساسی را نشان می‌دهد و دادگاهی که وظیفه‌اش رسیدگی به شکایات در مورد عدم اجرای قانون اساسی است. رفع خصومت به لحاظ تشریحی نه تکوینی، چون حقیقتاً کینه بین افراد از بین نمی‌رود یا لاف‌ل اینک دستگاه قضا آنچه را که انجام می‌دهد دلیل بر آن نیست که واقعاً از بین می‌رود در حقیقت فیصله می‌دهد و نزاع بین افراد را ظاهراً بر حسب قانون برطرف می‌کند.

جلوگیری تحقق جرم فردی و اجتماعی، یعنی در محدوده دستگاه قضا کاری می‌کنند که از جرم جلوگیری می‌شود چه به لحاظ فردی و چه به لحاظ اجتماعی و تأمین حقوق شهروندی: منشور حقوق شهروندی از نظر اسلامی کاملاً پذیرفته شده است.

#### • عدالت ثبوتی و اثباتی دستگاه قضا

عدالت ثبوتی این است که حقیقتاً قاضی بر اساس موازین قانونی عمل می‌کند. حالت اثباتی عدالت این است که شائبه‌ای نباشد برای کسی که به دستگاه قضا و عملکرد آن می‌نگرد. از جمله ادله‌ای که آورده شده روایت

سلمه بن کهیل هست که در این روایت از قول امام علی (ع) که حضرت وصایایی به شریح قاضی دارند، آنجا که حضرت فرمودند: شریح (ثم واس بین مسلمین بوجهک و منطقک و مجلسک) (حر عاملی، ۱۳۸۶: ۱۸/۱۵۵). بنابراین باید اذعان کرد دستگاه قضا بگونه‌ای عمل کند که هم عملاً عادلانه رفتار کند و هم چهره بیرونی آن عادلانه باشد. هم عدالت ثبوتی باشد و هم اثباتی که این هر دو لازمه عدالت قضایی هستند. یکسان‌نگری به اصحاب دعوا یکی از مسائل زیربنائی در دادرسی است.

### وظایف قاضی (در سلام و جواب آن، نگاه کردن، انواع اکرام، مساوی قرار دادن، متخاصین)

از جمله اموری هستند که آداب قضا بوده و قاضی باید در اجرای موازین قضایی سخت و صلب باشد تحت تأثیر عواطف قرار نگیرد. در عنصر عدالت ثبوتی و اثباتی به دنبال پاسخ این سوال هستیم که غایت دستگاه قضا و وظیفه قاضی و اجرای عدالت صرفاً احقاق حق است یا فصل خصومت هم می‌تواند جزء وظایف قاضی باشد، این ذهنیت را به دنبال خواهد داشت که قضاوت هم یک شغل مانند سایر مشاغل است و قاضی موظف است اتخاذ تصمیم کند چه براساس حق و چه بر اساس اوضاع و احوال ظاهری و مستندات و مدارک موجود، قضیه را فیصله می‌دهد که در این صورت او فقط به وظیفه‌اش عمل کرده و مسئولیت بر دوش شهود، کارشناسی و قوانین است. لازم به ذکر است که اگر چنین باشد یعنی تمام مواردی که مربوط به اهمیت کار قاضی در ادله نقلی وارد شده و در متون حقوقی به آن اشاره شده در یک کلام بایسته‌های قضاوت در حکومت اسلامی بر اساس مدارک و ظاهر موجود باشد دیگر نیازی به اینهمه تأکید بر مسأله قضا لازم نمی‌آید. حال آنکه قاضی به تعبیری قلب دستگاه قضایی است و داشتن عدالت رکن رکین عملکرد قاضی در قضاوت است و سلامت جامعه هم به تعادل است اگر قرار باشد عملکرد قاضی منحصرأ در فصل خصومت ظاهری باشد نه عدالت، باید اذعان کرد این یعنی ماجرا خاتمه نیافته و آغاز شروع درگیری‌های بعدی هست و این یعنی عدم تعادل و عدم سلامت جامعه، چراکه با این روش و طرز تفکر مراجعین دائمی در دادگستری روز به روز بیشتر شده و خود دادگستری باید شاهد مراجعه مجریان و شاکیان در موارد متعدد بوده و خود نیز وجه المصالحه قرار گیرد. لذا تبعات آثار منفی در اینگونه قضاوت وجود خواهد داشت که ناگزیر از آن هستیم. در جرائمی مانند روابط نامشروع، چک برگشتی

و..... فرصت باجگیری و اخاذی برای افراد خاصی که به دنبال فرصت هستند بوجود می‌آید و از طرفی افرادی که متقابله با ایجاد مستندات، شهود ساختگی و سوء استفاده از اثر انگشت افراد دیگر در حالت ناآگاهی در این شرایط، مواضع را به نفع خود تغییر می‌دهند. حال آنکه هدف نهایی در دستگاه قضا اجرای عدالت است و اگر فصل خصومت حقیقتاً با وجود عدالت صورت بگیرد باز هم می‌توان گفت قاضی بر طبق عدل و عدالت حکم صادر کرد. ولی اگر صرف یک حکم آنهم به انگیزه فصل خصومت باشد نمی‌شود گفت بر اساس عدالت قضاوت صورت گرفته، بنابراین عدالت ثبوتی و اثباتی در دستگاه قضا نشانگر وجود قضاوت بر اساس حق و حقیقت است و هدف نهایی در دستگاه قضا تحقق عدالت و اجرای آن است و اگر در قالب فصل خصومت صورت می‌گیرد، چون بر اساس عدالت است درست است و گرنه اساس قضاوت فقط برای برپایی عدالت است. چرا که تعادل جامعه بخاطر تعادلی است که قانون ایجاد کرده لذا هدف نهایی قضا همان عدالت است و اسلام با بحث عدالت قضایی و کمک به تحقق آن در جامعه تأکید بر آن دارد.

### نتیجه‌گیری

یکی از مسائلی که شاید بتوان گفت در اسلام در ردیف اول قرار می‌گیرد بحث قضا است و هدف اسلام هم از قضاء سند ایجاد کننده قضا نبوده است. چرا قضا از ابتدا برای بشر مطرح بوده است. چون قضا لازمی تعادل و سلامت جامعه و ضامن ایجاد نظم و امنیت در جامعه است، نکته مهمتر آنکه قرآن و روایات بر این مسئله دلالت داشته و تأکید می‌ورزند. برای رسیدن به هدف اصلی در قضا یعنی احقاق حق و رعایت عدل و به عبارتی، اجرای بهتر عدالت، نیازمند بررسی مبانی قضا هستیم تا با بررسی مبانی قضا به اهداف قضا دست یابیم، در مکتب قضایی به این نکته اشاره شد که در اسلام قانون‌گذاری از آن خداست (ان‌الحکم الا لله) و این منزلت برای پیامبر و سایر امامان معصوم (ع) نیز بوده و در زمان غیبت برای ولی فقیه ثابت است و اینکه عدالت قضایی همان رفتار مطابق با قانون در مقام قضاوت است که نقش مهم و اساسی در تحقق عدالت قضایی با خود قاضی می‌باشد.

وجود دو عنصر ایجاد امنیت در جامعه و عدالت ثبوتی و اثباتی پاسخ سوال علت غائی قضا را بیان می‌کند که آن عدالت است. چراکه تعادل جامعه و ام‌دار اجرای عدالت است. بنابراین هدف نهایی از قضا عدالت است. آنچه از ادله نقلی برداشت می‌شود و نظام حقوقی حاکم بر جامعه ترجمان رویکرد قضایی در حکومت اسلامی است اشاره به این نکته مهم و اساسی می‌باشد که عدالت ضامن بقاء سلامت، امنیت، تعادل و استقرار و ثبات جامعه مدنی می‌باشد و بنابراین عدالت گرایشگاه قضاوت است.

## منابع

- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۳۸۶)، وسائل الشیعه، جلد هجدهم، چاپ دهم، تهران: انتشارات کتابچی.
- خمینی، روح الله (۱۴۲۱ق)، تحریرالوسیله، چاپ اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۸۴)، قضا‌دایی در حقوق جزای اسلامی، نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱، شماره ۱۵.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۲)، توجیه و نقد رویه قضایی، چاپ ششم، تهران: انتشارات میزان.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب اسلامی.
- ملکی، محمدا‌مین؛ منتظری، مهدی (۱۴۰۰)، مصداق ابوالجهم در مشهوره قضایی ا‌بی خدیجه، پژوهشنامه قرآن و حدیث دوره ۱۴، شماره ۲۹.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۵)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- قرآن کریم
- نهج البلاغه